

بسمه حمید،

دانشجوی دکتری، بخش زبان و ادبیات فارسی،  
دانشگاه کشمیر، حضرت بل سرینگر

## درس اخلاق در شعر پروین اعتصامی

قرن نوزدهم و بیستم میلادی برای تحولات زبان و ادبیات فارسی معروف است. اگر ما به طرف دوره پروین اعتصامی نگاه می کنیم معلوم می شود که این دوره انقلاب برای زنان ایرانی بوده. خانمان ایرانی می خواستند که از قید و اصول اسلامی که فقط برای خانمان وضع شده بود بیرون آید، شتاب زدگی به تقلید فرهنگی ها پیر دازد. چنانکه نسخه چاپی در دیوان پروین اعتصامی با تقدیم دکتر رحیم چاوش اکبری این طور می نویسد - "زن ایرانی که - تازگی از قید حجاب به در آمده شتاب زدگی به تقلید فرهنگی ها می پردازد:

خلق را تقلید شان برباد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد  
پوشیدن لباسهای مذاروپائی او را از فرهنگ اسلامی و ایرانی به  
کلی عریان می سازد" - ۱ - با وجود فرهنگ غربی که رونق بیشتری در  
این زمان پیدا کرده بود ولی با وجود این تصادف فرهنگ غربی بین  
فرهنگ اسلامی پروین اعتصامی دل داده اخلاق و رسومات اسلامی بود و  
هیچ موقع آن را از دست نداد. به نظر او حجاب برای خانم های  
اسلامی شعار دین ایشان است، و پیشرفت باید با شمول اقدار اسلامی  
باشد.

پروین اعتصامی در سال ۱۲۸۵ هـ ش در تبریز چشم به جهان  
گشود. در سهای رسمی آن زمان یعنی عربی و فارسی از افراد خانواده  
آغاز کرد چنانکه ما می دانیم که پدر وی، یوسف اعتصام الملك مرد فاضل  
و دانشمند بود تقریباً تمام علوم رایج آن زمان از وی فرا گرفت. پروین به

پیش نهاد پدرش برای تحصیل زبان انگلیسی وارد دبیرستان امریکایی تهران شد. از بچه گی به شعر و ادب علاقه فراوان داشت. هنوز هشت ساله نه شده که شعر گفتن آغاز کرد. نخستین شعروى در مجله بهار انتشار یافت و مورد علاقه همه اهل ادب شد. یکی از شعرهای او در هشت سالگی، مناظره ای بین نخود و لوبیا است -

نخودی گفت لوبیای را گر چه من کردم این چنین تو دراز؟  
گفت: ما هر دو را بیاد بخت چاره ای نیست بازمانه بساز ۲-  
و جای دیگر شعری گفته که در آن شعر مناظره ای بین سیر و پیاز است -

سیر يك روز طعنه زد به پیاز که تو مسکین چقدر بد بویی  
گفت: از عیب خویش بی خبر زان ره، از خلق عیب می جویی ۳-  
شعرهای مزبور دال بر این است که پروین از بچگی با هنر شعر گوئی و از شعر حرفه ای بلد بود، و گر نه شعرهای مقالمتی گفتن کار هر کس و نناکس نیست -

دکتر محمد جعفر یا حقی در "جویبار لحظه ها" خود دوران مباحث احوال آثار پروین اینطور رقم طراز است، "پروین سرودن شعر را از هشت سالگی آغاز کرد و نخستین شعرها یش را در مجله بهار، که پدر او منتشر می کرد، به چاپ رسانید و مورد تشویق اهل ادب قرار گرفت. از عوامل دیگری که موجب تقویت ذوق و پرورش استعداد شعری پروین شد، رفت و آمد او به محافل ادبی آن روزگار بود که پدرش به آنها سروکار داشت - پدر وی قطعات زیبا و دلکش از قطب خارجی به فارسی می گرداند و پروین را به نظم آنها تشویق می کرد، همین کار موجب شد که علاقه پروین اعتصامی شعر و ادب افزود. ۴-

شولر، مدیر مدرسه امریکای که پروین آنجا دانش طلب بوده در مورد پروین به مناسبت جلسه یاد آوری دانش طلبان قبلی پروین را بهترین

دانش طلب مدرسه خود قرارداد داده است و در یادگیری دروس خیلی توصیفات مشتاقانه کرده است. او همچنین می گوید که "پروین در طول زمان تحصیلاتش، با دختری آمریکایی به نام "هلن کالینز" مکاتبه داشته، و این مکاتبه را تا آخر عمر ادامه داده است." ۵-

پروین در سال ۱۳۱۳ هـ بایکی از بستگان پدر ازدواج کرد اما بعد از دو ماه از همسر خود جدا شد. پروین تا پایان زندگیش با هیچ کس درباره این ازدواج ناموفق سخن نگفت و فقط غم و اندوه عزلت و تنهایی خود را به شکل شعر بیرون آورده که بهترین نمونه آن این چند ایات است.

ای گل تو ز جمیعت گلزار چه دیدی

جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی؟

رفتی به چمن لیک قفس کشت نصیبت

غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی؟

ای شمع دل افروز تو باین همه پر تو

جز مشتری سلفه به بازار چه دیدی؟ ۶-

پروین اعتصامی در فروردین ۱۳۲۰ هـ به مرض حصه مبتلا شد. در سن ۳۴ سالگی در تهران در گذشت و در حرم فاطمه معصومه در قم در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد.

شایان ذکر است به رغم آن که پروین اعتصامی در دوره جدید می زیسته است باز هم در شعروى رنگ خسرو و سعدی نمایان است. اگر به طرف اشعار معاصران وی نگاه می کنیم آنها طرفدار شعر جدید بودند. ولی تخیلات پروین اعتصامی با معاصران خود متفاوت است. از شعروى اخلاقیات جلوه می نماید، شعروى پر معنی و پرمغز است. اشعاروى انسان را به هیجان می آورد و تخیلات جدید وی را شخصیت می دهد. ایشان انسان را به دنیای آزاد، دنیا دلسوز و دنیا دلگیر می آورد.

شنیده اید آسایش بزرگان چیست: برای خاطر بیچارگان نیا

بکاخ دهر که آرایش است بنیادش  
 مقیم گشت و دامان خود نیالودن  
 همین ز عادت و کردار زشت کم کردن  
 هماره بر صفت و خوی نیک افزودن  
 ز بهره بیهده، از راستی بری نشدن  
 برای خدمت تن، روح را نفرسودن  
 برون شد ز خرابات زندگی هشیار  
 ز خود نرفتن و پیمانہ ای نپیمودن  
 رهی که گمراهیش در پی است نسپردن  
 دریکه فتنه اش اندر پست است ننگشودن ۷-

در این ابیات مزبور پروین اعتصامی به ما یاد می دهد که چطور باید  
 در این جهان زندگی بسر ببریم و چطور از هوا و هوس این دنیا خود را  
 دور می بریم به نظر پروین اعتصامی انسان باید پر از این اوصاف  
 باشد. پروین اعتصامی می گوید، به رغم این آرایش و زیبایش این دنیا ما  
 باید از این بهره‌زیم چون این دوام ندارد. علاوه بر این پروین اعتصامی  
 در این ابیات به طرف چند نکته مهمی که آن جمله "آرایش بی ثباتی  
 دنیا" و "خراباتی بودن" اشاره داد. کسانی هستند که به مال و منال  
 آلوده، آسایش پیدا می کنند، در حالی که شاعری فرماید این آسایش  
 نیست. اگر کسی که در همین کاخ و مقام و جایگاه دنیوی باشد، اما به  
 فکر مظلومان و بیچارگان باشد، آسایش دارد. این آسایش هم يك  
 آسایش معنوی است. آسایش ظاهری خوردن و خوابیدن است که  
 حیوان هم مشترك است. در آسایش ظاهری آیا حیوانات بهتر آسایش  
 دارند یا انسان؟ حیوانات بهتر می خورند و می خوابند یا  
 انسان؟

آسایش انسانی این است که انسان به فکر آسایش دیگران هم باشند و تا جایی که می توان عمل کنند که باعث ناراحتی کسی نه باشد. به فکر ستم دیدگان، مظلومان، بیچارگان و تهی دستان باشند و برای اینان اندیشه مندی روای حاجات هم اطمینان قلب و آسایش است. حضرت علی<sup>ؑ</sup> فرموده است: **لَذَّةُ الْكِرَامِ فِي الْأَطْعَامِ وَ لَذَّةُ اللَّئَامِ فِي الطَّامِ** - یعنی لذت انسان های کریم، در غذا دادن (به دیگران) است و لذت انسان های لئیم، در غذا خوردن است.

در جای دیگر پروین اعتصامی می فرماید که انسان را از غرور و خودپسندی باید بپرهیزد چون مغرور همین اندازد که خود را در دانه و گوهر نیاب می دانند و آسیب پذیر و ناتوانند:

پشه ای را حکم فرمود که خیز خاکش اندر دیده خود بین بریز  
تا نماند باد عجبش در دماغ تیرگی را نام نگذارد چراغ ۸-

۱- ناله و شیون مظلوم: پروین اعتصامی در "اشک یتیم" می گوید که رفتار پادشاه با رعیت چه طور باید باشد. چطور يك پادشاه از رعیت خود غافل می شود و همواره مستغرق به آسایش خود می باشد. پادشاه از این بی خبر است که اگر کسی از رعیت ایشان از غذا محروم می ماند و گرسنه بخوابد یا کسی بیگناه به قتل رسانده میشود و حاکم وقت از این چیز چشم به پوشد این همه به سر ایشان است که از عهده ای خداوند متعال به او داده بود ایفا نه نمود چون حاکم از این چیزها با خبر است که آه و ناله مظلوم به عرش خدا لمس می کند. در قرآن مجید، در سوره النساء، جزء شش الله تعالی می فرماید: **لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا** ۹- یعنی خدا بلند کردن صدا را به بد گویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به او ستمی شده باشد و خدا شنوا و داناست.

پروین اعتصامی چنانکه من در آغاز مقاله ذکر نموده ام که در

پیشتر مضامین به پیروی پیشینیان نوشته است و سعدی را هم استاد  
روحانی خود قرار داده است ابیات زیر به پیروی سعدی ایست سعدی  
فرموده:

سعدی -

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی بر آورند  
غلامان او درخت از بیخ  
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد زبند  
لشکریانش هزار مرغ برسیخ ۱۰ -

پروین -

روزی گذشت پادشاهی از گذرگهی  
فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست  
پرسید ز آن میانه یکی کودک یتیم کاین  
تابناک چیست که بر تاج پادشاهت آن یک جواب  
داد چه دانیم ما که چیه چیست  
پیدا است آنقدر که متاعی گرانیهاست  
نزدیک رفت پیرزنی کوژ پشت و گفت این اشک  
دیده ی من و خون دل شماست  
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است این  
گرگ سالهاست که با گله آشناست ۱۱ -

۲- لذت و آسایش واقعی: لذت و آسایش واقعی در این چیز است که هر  
چه که انسان داشته باشد سهمی از آن برای رضای خدا به خرج بدهد و  
چون همین شکر است و شکر یکی از اوصاف اهل الله است و زندگی  
خود به سادگی برمی برد و رنج و اندوه دیگران را حس نکند. انسان  
از این چیزها غافل است که در وقت آخر مجبور است از دست دادن  
همه متاع دنیا است و پیوسته به انباشت ثروت است. به عقیده پروین

اعتصامی نیز دیدگاه انسانهای بزرگ با انسانهای حقیر درباره معیار  
آسایش حقیقی متفاوت است وی می گوید:

به درویشی، بزرگی جامه ای داد  
که این خلقان بنه، کز دوش افتاد  
چرا بر خویش پیچی ژنده و دلخ  
چو می بخشد کفش و جامه ات خلق  
بگفت ای دوست، از صاحب دلان باش  
بجان پرداز و باتن سرگران باش  
تن خاکی به پیراهن نیرزد  
وگر ارزد، بچشم من نیرزد  
ره تن را بزن، تاجان بماند  
ببند این دیو، تا ایمان بماند ۱۲-

پروین اعتصامی به ما درس می دهد که ما نباید به دنبال آرایش  
تن باشیم بلکه بدنبال روح بزرگ باشیم-

۳- اخلاص در بندگی: ما می دانیم که عروج و معراج بندگی در اخلاص  
است. اگر بندگی خالی از اخلاص باشد به قبولیت نمی رسد. انسان با  
اخلاص مقبول درگاه است. بدون اخلاص هیچ بندگی به عروج نمی  
رسد بلکه مردود می شود. ما باید انسان مخلص باشیم. اگر اخلاص نباشد  
این يك فریب است مترادف نفاق است. چون درون ما ایمان نیست  
و بیرون ما خود نمای می کنیم. آیا این نفاق نیست؟ حضرت پیغمبر اکرم  
می فرمایند، 'بِالْإِخْلَاصِ يَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ - یعنی' به وسیله حقیقت  
اخلاص است که درجات مؤمنین بر یکدیگر برتری و رفعت پیدا می  
کند-

امیرالمؤمنین حضرت علیؑ نیز می فرمایند: "أَفْضَلُ الْعَمَلِ مَا أُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ" یعنی افضل اعمال آن عملی است که تنها برای رضای خدا باشد. پروین اعتصامی اشاره به همین در اشعار خود اینطور می کند:

روان پاک را آلوده مپسند  
حجاب دل مکن روی دریا را  
مکن هرگز بطاعت خود نمائی  
بران زاین خانه نفس خود نمارا  
بزن دزدان راه عقل را راه  
مطیع خویش کن حرص و هوی را ۱۳-

۴- تلاش کوشش و دور اندیش: انسان باید پر تلاش و دور اندیش باشد هر که سعی و کوشش نمی کند به پای دیگران می افتد و محتاج می شود. لذا ما باید محنت کش باشیم، چنانکه خداوند می فرماید: وان لیس للانسان الا ما سعی ۱۴- برای آدمی، جز آنچه تلاش کرده است، نخواهد بود.

پروین در اشعار خویش از آیایه قرآنی هم خوب استفاده کرده است چنانکه داستان حضرت سلیمان که موری را دید که باز حمت بسیار پای ملخی را به آشیانه می برد. مور چنان در حال سعی و تلاش بود که حتی از اطراف خود نیز بی خبر شده بود و هرگز پروای از کار افتادن نداشت. سلیمان علیه السلام که آن همه همت و کوشش را از مور می دید، لب به سخن گشود و در خطاب به مور گفت همین داستان قرآنی را پروین به شعر آورد و با حرفه ای کمال برای فارسی زبانان رو به جهت داد:

مرا در بارگاه عدل، خوان ها است  
به هر خوان سعادت، میهمان هاست  
بیازین ره به قصر پادشاهی  
خور در سفره ما هرچه خواهی



ز ما هم عشرت آموز وهم آرام  
چوما، هم صبح خوش دلباش وهم شام  
مکش بیهوده این بارگران را  
میازار از برای جسم، جان را ۱۵-

ولی در این داستان موری که نماد سخت جان و سعی بی پایان است  
به صورت مقاله، به حضرت سلیمان<sup>ع</sup> پاسخ می دهد:

بگفت: از سور، کمتر گوی بامور  
که موران را قناعت خوش تر از سور  
چو اندر لانه خود پادشاهند  
نوال پادشاهان را نخواهند  
بروجایی که جای چاره سازی است  
که ما را از سلیمان، بی نیازی است  
مرا امید راحت هاست زین رنج  
من این پای ملخ ندهم به صد گنج  
مرا يك دانه پوشیده خوش تر  
ز دهیم و خراج هفت کشور ۱۶-

بدین ترتیب پروین اعتصامی داستان را خیلی جالب ساخته مثل  
داستانهای قرآنی دیگر این داستان را هم درس اخلاق آموز ساخته و  
بیان حکایت این قدر جالب است که شاهکار پیشینیان معلوم می شود-

گرت همواره باید کامکاری  
زمور آموز رسم بردباری  
چه درکار و چه درکار آزمودن  
نیاید جز به خود محتاج بودن  
هر آن موری که زیر پای زوری است  
سلیمانی است کاندرا شکل موری است ۱۷-

پروین این چنین بسیاری داستان را انتخاب کرده و به سلك شعر در آورده شعر پایین هم یکی از نمونه سخن وی است:

مرغك دلداه بعجب و غرور  
کرد یکی لحظه تماشای مور  
خنده کنان گفت که ای بیخبر  
مور ندیدم چو تو کوته نظر  
روز نشاط است گه کار نیست  
وقت غم و توشه انبار نیست  
مور بدو گفت بدینسان جواب  
غافل، ای عاشق بی صبر و تاب  
نغمه مرغ سحری هفته ایست  
قهقه کبک دری هفته ایست  
روز تو یک روز پیاپیان رسد  
نوبت سرمای زمستان رسد ۱۸

در مقاله حاضر سعی شده است که درس اخلاقی که بتوسط اشعار پروین اعتصامی وجود دارد مورد توجه قرار شود. پروین اگرچه در دوره جدید زندگی کرده ولی اشعار وی مشتمل بر اقدار اسلامی و داستانهای قرآنی است و بیشتر اشعار وی مباحث اخلاق عظیم اسلامی را مطرح کرده است که نیاز هر زمان بوده است.

## منابع و ماخذ:

- ۱- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر  
تهرانی، چاپ احمدی، ۱۳۷۳
- ۲- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر  
تهرانی، چاپ احمدی، ۱۳۷۳، نظم "فلسفه"، ص ۱۹۱
- ۳- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر  
تهرانی، چاپ احمدی، ۱۳۷۳، نظم "نکوهش بیجا"، ص ۲۹۵
- ۴- یاحقی، دکتر محمد جعفر، جویبار لحظه ها ادبیات معاصر فارسی  
نظم و نثر، ص ۱۷۱
- ۵- [konkoronlie.ir](http://konkoronlie.ir) تاریخ انتشار: ۱۴ مرداد ۱۳۹۶ ش
- ۶- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر تهرانی، چاپ  
احمدی، ۱۳۷۳، قطعه، متفرقات
- ۷- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر تهرانی، چاپ  
احمدی، ۱۳۷۳، نظم "آسایش بزرگان" ص ۴
- ۸- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر  
تهرانی، چاپ احمدی، ۱۳۷۳، نظم "لطف حق" ص ۲۶۵
- ۹- قران مجید، جزء شش، سورة النساء، آیه نمبر ۱۴۸
- ۱۰- سعدی، مصلح الدین، گلستان، به کوشش نورالله یزد پرست،  
باب اول در سیرت پادشاهان، حکایت ۱۹ ص ۶۴ چاپ سوّم  
۱۳۶۱ ش-

- ۱۱- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر  
تهرانی، چاپ احمدی، ۱۳۷۳، نظم "اشک یتیم" ص ۱۳
- ۲- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر تهرانی، چاپ  
احمدی، ۱۳۷۳، نظم "جامعه عرفان" ص ۶۶
- ۳- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر  
تهرانی، چاپ احمدی، ۱۳۷۳، نظم "بهای نیک" ص ۳۹
- ۴- قرآن مجید، جزء بیست و هفت، سورة النجم، آیه نمبر ۳۹
- ۱۵- اعتصامی، پروین، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر تهرانی، چاپ  
احمدی، ۱۳۷۳، نظم "سعی و عمل" ص ۱۴۰
- ۱۶- ایضاً
- ۱۷- ایضاً
- ۱۸- پروین اعتصامی، دیوان: به کوشش محمد عالمگیر  
تهرانی، چاپ احمدی، ۱۳۷۳، نظم "بلبل و مور" ص ۲۵

